CC BY NC

مقاله پژوهشی

مقایسه تحلیلی دیدگاه کل نگری متفکرین اسلامی به مفهوم محیط در متاپارادایم پرستاری با رویکردهای فلسفی رایج در پرستاری

صدیقه فرضی[۱]، نصراله علیمحمدی[۲]*، محسن حجت[۳]

۱- دکتری تخصصی پرستاری، دانشیار، گروه پرستاری سلامت بزرگسالان، مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری ومامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۲- دکتری تخصصی پرستاری، استاد ، گروه پرستاری مراقبت های ویژه، مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری ومامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۳-دکتری تخصصی پرستاری، استادیار، دانشکده پرستاری جهرم، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

Journal of Education and Ethics in Nursing, Vol.12, No.3&4, Fall & Winter 2023

چکیده:

مقدمه: مفهوم محیط، از مفاهیمی است که در بسیاری از مدل‌ها و تئوری‌های پرستاری، دارای اهمیت ویژه می‌باشد. در دهۀ ۱۹۸۰، محیط به عنوان یکی از مفاهیم چهارگانۀ متاپارادایمیک پرستاری، بر اساس شاخص زیربنایی علم و عمل پرستاری، مورد ارزیابی و سنجش واقع شده است؛ بنابراین نوع نگرش به نقش محیط و پرستاری به طور هم‌زمان، از اصول مهم مورد توجه از منظر دانشمندان پرستاری می‌باشد؛ چنانچه در این مقاله، پس از ارائه دیدگاه‌های کل نگری از نگاه مکاتب فلسفی موجود در پرستاری، مقایسه‌ای تحلیلی بین آن‌ها و اسلام از نظر محتوای مفهومی، انجام گرفته است.

روش کار: این پژوهش از نوع مروری – روایتی و با روش بررسی کتابخانه‌ای انجام شده است. جستجو با کلمات کلیدی، از جمله: محیط پرستاری، متاپارادایم پرستاری، کل گرایی، تفکر اسلامی، جهان بینی کنشی، جهان بینی هم‌زمانی و پرستاری در بانک‌های اطلاعاتی SID, Iranmedex, Medlib, Pubmed, Scoupus ISI, Irandoc, Magiran و Isc (۱۹۸۰– ۲۰۲۱)و کتب فلسفی و متون اسلامی انجام شد.

یافته‌ها: در زیر طبقات فلسفۀ کل‌گرایی، جهان بینی‌کنشی (توتالیتی)، محیط انسان را پیرامون و عوامل مؤثر در توانایی سازگاری فردی تعریف می‌کند. در این رویکرد، اثرات عواملی مانند: اقتصاد، فرهنگ و مسائل اجتماعی بر انسان، نادیده گرفته شده است؛ به‌طوری‌که توضیحی بر آن وجود ندارد و محیط کاملاً به صورت انعطاف ناپذیر، ایستا، تجربی و طبیعی توصیف شده است. در جهان بینی هم‌زمانی(سیمولتانیتی)، انسان و محیط پیوسته و یکپارچه با یکدیگر تلقی می شوند؛ به گونه‌ای‌که انسان از جهان هستی جدا نمی‌باشد؛ بنابراین درک انسان، بازتابی از جهان هستی است؛ چنانچه تمرکز اصلی، بر تجارب انسانی از محیط یا حقایق موجود در جامعه می‌باشد. در این میان دیدگاه اسلامی، معتقد به آن است که انسان، دارای دو محیط است. محیط بیرونی (زیستی)، که به تمامی محیطی اطلاق می‌گردد که نسل انسان، به طور مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است و زندگی و فعالیت‌های وی در ارتباط با آن قرار دارد و محیط درونی، که از آن به فطریات نام برده می شود.

نتیجه گیری: یکی از ابعاد مهم سلامت محیط، سلامت رفتار و ارتباط نیکوی افراد جامعه با یکدیگر است. برای تحقق این امر مهم، در تعالیم آسمانی و الهی اسلام، توجه به روابط نیکو با اعضای جوامع بشری و حسن معاشرت، از موارد تأکید شده در قوانین اسلامی می‌باشد. علاوه براین، پارادایم دینی با کل‌نگری، در مکاتب فلسفی پرستاری، مقایسه گردید و بر اساس این مقایسه می توان استنباط کرد که در رویکرد اسلامی، انسان همۀ کمالات را بالقوه دارد و باید آن‌ها را به فعلیّت برساند. شرط اصلی وصول انسان به کمالاتی که بالقوه دارد، شرایط محیطی سالم از جمله ارتباطات مناسب اجتماعی و ایمان است. استعدادهای بالقوه و بالفعل غریزی و ذاتی انسان(محیط داخلی)، می‌تواند هماهنگ با محیط خارج، دارای تعامل، تقابل و موجب حفظ سلامت کل انسان گردد.

واژگان کلیدی: کل گرایی، تفکر اسلامی، جهان بینی کنشی، جهان بینی هم‌زمانی، پرستاری، محیط

J Educ Ethics Nurs 2023; 12(3&4):52-59

مقدمه

*نویسنده مسئول، نشانی: دکتری تخصصی پرستاری، استاد ، گروه پرستاری مراقبت های ویژه، مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری ومامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

تلفن تماس: ۰۹۱۳۴۰۲۵۴۱۶ پست الکترونیک: alimohammadi@nm. mui.ac.i

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۳

در دهۀ۱۹۸۰، محیط به عنوان سومین و پرستاری در قسمت چهارمین مفهوم از مفاهیم متاپارادایمیک پرستاری، به عنوان مضامین زیربنایی علم و عمل پرستاری، مورد ارزیابی واقع گردید. پرستاری هر چند به طور سنتی بر اهمیت محیط در امر مراقبت از بیماران واقف بود؛ ولی فلورانس نایتینگل (۱۹۱۰-۱۸۲۰)، براهمیت نقش محیط و پرستاری همزمان بر محیط بیماران، تأکید کرد؛ چنانچه پس از آن در قرن نوزدهم، محیط در امر مراقبت از بیماران مورد توجه ویژه قرار گرفت وآن‌گونه که متون پرستاری نشان می‌دهند، در اواسط این قرن بر «مراقبت محیط محور»، توجه گردید؛ به‌طوری‌که تمرکز پرستاری و سیستم‌های ارائه‌دهندۀ مراقبت بر اهمیت ارتباط نزدیک میان محیط با بالین، قرار گرفت. در این هنگام با مطرح شدن تئوری محیط، ایجاد محیط بهبودی و شفا بخش، وارد علم پرستاری گردید. اهمیت این مسأله به گونه‌ای است که در اواسط قرن نوزدهم، با مطرح شدن علم مدیریت اتاق بیمار، پرستاران، به همراه شرایط محیطی در ایجاد موقعیت‌های بهبودی بیماران شریک شدند. این اقدام مبنای سنت و فلسفه به خود گرفت؛ چنانچه امروزه علم پرستاری و پزشکی اعتقاد دارند، که ارتباطی تنگاتنگ میان بیماران، طبیعت و ارائه دهندگان مراقبت وجود دارد[۱].

هستی شناسی فلسفۀ پرستاری، اظهارات فلسفی در زمینۀ مسائلی همچون: انسان، انواع مختلف محیط و یا گسترش بوم‌شناسی زیست محیطی می‌باشد[۲] که از مبانی اصلی و زیربنایی دانش پرستاری و بالین محسوب می‌گردند. حتی توسعۀ دانش پرستاری، مبتنی بر بیانات فلسفی و جهان‌بینی‌ها (در این زمینه) می‌باشد[۳]. فلسفه، جهان‌بینی و الگوهای موجود در پرستاری، اساس باورهای دانشمندان پرستاری، محیط را تعریف و توصیف کرده‌اند[۴].

براساس فلسفه‌های پرستاری، در زیر مجموعۀ فلسفۀ کل‌گرایی حداقل دو پارادایم، در رابطه با مفهوم محیط وجود دارند. پارادایم کنشی (reciprocal interaction worldview) که بر گرفته شده از جهان بینی طبیعت گرایانه یا تجربه گرایی و دیگری همزمانی (simultaneous action worldview)(سیمولتانیتی) برگرفته شده از پارادایم تفسیری می‌باشد[۵]. برای اولین بار پارسی، مفاهیم کنش متقابل و همزمانی توتالیتی و سیمولتانیتی را در پرستاری به کار برده است[۶]. رویکرد، در معنای کنشی، مکانیستیک، تحلیلی و واکنشی است و رویکرد همزمانی، کنشی (تعاملی) و گفتاری (گفت و شنودی) می‌باشد[۷]. بیشتر نظریه پردازان پرستاری کل‌نگر مبتنی بر این دو جهان بینی، نظرات خود را مطرح کرده‌اند و از آنجایی‌که پرستار مسلمان، جهت ارائه مراقبت به بیمار مسلمان بایستی شناخت کامل از محیط انسانی براساس تفکر و دیدگاه اسلامی داشته باشد تا بتواند مراقبت کل گرایانه به مدجویان ارائه دهد؛ بنابراین این پژوهش با هدف مقایسۀ تحلیلی این دو دیدگاه کل نگر در پرستاری، با دیدگاه اسلامی انجام شده است.

روش کار

پژوهش حاضر از نوع تحلیلی - روایتی و با روش بررسی کتابخانه‌ای، جهت تحلیل و مقایسۀ مفهوم محیط از دیدگاه اسلام و سایر مکاتب فلسفی پرستاری(۲۰۲۰)، انجام شده است. علاوه بر این، جستجو با کلمات کلیدی، از جمله: کل گرایی، تفکر اسلامی، جهان‌بینی کنشی، جهان بینی همزمانی در دیدگاه های متفکرین پرستاری و متفکرین اسلامی در بانک‌های اطلاعاتی SID Medlib, ,Iranmedex, Magiran Irandoc, Pubmed, Scoupus, ISI,و Isc (۱۹۸۰- ۲۰۲۰)، انجام شد.

یافته‌ها

پس از مطرح شدن ایرادات و انتقادات به پارادایم اثبات‌گرایی و جزءگرایی در دهۀ ۱۹۶۰ [۸]، رویکرد کل گرایی در زمینۀ نحوۀ ایجاد تجربۀ انسانی و حمایت‌هایی در فهم کل گرایی پرستاری ایجاد گردید. انتقاد وارده به پارادایم اثبات گرایی و جزءگرایی این بود که نه تنها قادر نیستند تا به طور کامل پدیدۀ تجربۀ سلامتی انسان را توصیف کنند؛ بلکه قادر به فهم و درک آن نیز نخواهند بود. درک کردن انسان از حقایق به عنوان چارچوب پنداشتی، برای دانش و علم پرستاری، مطلب تازه‌ای در رشتۀ پرستاری نبود؛ به همین دلیل فلسفۀ کل گرایی، به عنوان راه درک انسان از حقایق، کمیت و ماهیت انسانی معرفی گردید. تاریخ نشان می-دهد، درک جهان هستی نه تنها ایستا نیست؛ بلکه بر اساس درخشش ذهنی یک متفکر بزرگ نیز نمی‌باشد؛ بنابراین هستی شناسی به عنوان یک سؤال همیشگی در طول زمان باقی مانده است[۹].

سارکیز و اسکونر(۱۹۸۷)، معتقد هستند که واژۀ کل نگر، امروزه در پرستاری تکرار می‌شود؛ آن‌گونه‌که در جهت دفاع از سلامتی و موجودیت انسان به‌کار گرفته شده است و کاربرد آن در پرستاری، جهت نشان دادن تمرکز پرستاران بر روی سلامتی یا تمامیت افراد در رابطه با محیط می‌باشد، که می‌توان گفت تمامیت، به معنای چند بعدی بودن آن است[۱۰]. مفهوم کل‌نگری، دلالت برآن دارد که پیوستگی در درون انسان و همچنین ارتباط تنگاتنگ میان انسان‌ها (محیط اجتماعی) و بین انسان‌ها و محیط (محیط فیزیکی) اطراف آن‌ها وجود دارد. انسان از کل به هم پیوسته، ترکیب شده است که غیر قابل تفکیک از یکدیگر هستند. کل‌گرا، معتقد است جسم، ذهن و روح به طور

*نویسنده مسئول، نشانی: دکتری تخصصی پرستاری، استاد ، گروه پرستاری مراقبت های ویژه، مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری ومامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.
تلفن تماس: ۰۹۱۳۴۰۲۵۴۱۶ پست الکترونیک: alimohammadi@nm. mui.ac.i
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۳

غیر قابل اجتنابی در تلفیق با یکدیگر می‌باشند، که بایستی به عنوان یک واحد دینامیک، دارای تعادل با اجزای غیر قابل تفکیک از یکدیگر مورد توجه و بررسی قرار گیرند[۱۱].

در پارادایم سیمولتانیتی، انسان و محیط، پیوسته و یکپارچه با یکدیگر تلقی می‌شوند؛ به گونه‌ای که انسان از جهان هستی جدا نمی‌باشد؛ بنابراین درک انسان، بازتابی از جهان هستی است؛ چنانچه تمرکز اصلی بر تجارب انسانی از محیط یا حقایق موجود در جامعه می باشد. با این تفاسیر، بر این دیدگاه، انتقادهایی وارد است از جمله:

الف) قایل به اتصال محیط به درک انسانی موجب ایجاد مشکل می‌شود؛ مخصوصا آن زمانی که فرد با شرایطی روبه‌رو می‌گردد که قادر به درک آن نباشد.

ب) هر چند در این دیدگاه، محیط انعطاف‌پذیر و طبیعی دیده می‌شود؛ اما معنابخشی به مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن هنوز یک مانع و چالش است.

ج) این دیدگاه با وجود اینکه بر رویکرد انسان گرایانه تمرکز دارد، با این وجود موجب نادیده گرفتن حقیقت مشکلات ناشی از فیزیولوژیک گردیده است که بخشی از مسایل جدا نشدنی مرتبط با سلامتی و بیماری است[۱۲]؛ زیرا که پرستاری، یک رشتهٔ جامعه‌شناسی صِرف نیست و بایستی در نظر داشت مفاهیمی همچون فیزیولوژی و روان شناسی از مفاهیم کلیدی و محوری رشته محسوب می‌گردند[۵].

ثورن(۱۹۹۹)، معتقد است که از طرفی رویکرد توتالیتی، محیط انسان را پیرامون و عوامل مؤثر در توانایی سازگاری فردی تعریف می‌کند؛ به همین دلیل براین تعریف نیز انتقاداتی وارد می‌باشد؛ زیرا که در این رویکرد، اثرات عواملی مانند: اقتصاد، فرهنگ و مسایل اجتماعی بر انسان نادیده گرفته شده و توضیحی بر آن وجود ندارد و محیط کاملاً به صورت انعطاف ناپذیر، ایستا، تجربی و طبیعی توصیف شده است؛ بنابراین این سؤال مطرح می‌باشد که با توجه به اهمیت حرکت تاریخی پرستاری به سوی کل نگری در مراقبت از انسان، آیا بین کل نگری از دیدگاه متفکرین اسلامی با دیدگاه های رایج در فلسفه‌های موجود، تفاوتی وجود دارد یا به طور کلی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در این عرصه مطرح است؟

محیط از دیدگاه اسلامی

در متون اسلامی، از دو محیط نام برده می‌شود . محیط درونی و محیط بیرونی، که هر کدام دارای خصوصیات و ویژگی‌های خود می‌باشد از قبیل:

در متون اسلامی، از محیط درونی تعبیر فطریات شده است. امینیان (۱۳۸۱) بیان می‌کند که انسان، هنگامی که پا به عرصهٔ وجود می‌گذارد و قبل از تأثیر پذیری از عوامل و محیط بیرونی، دارای یک سری ادراکات و گرایش‌های درونی است که به این مجموعه صفات، استعدادها و ویژگی‌های که به‌صورت غیراکتسابی و بدون دخالت اراده و خواست آدمی در ذات انسان موجود است، فطریات گفته می‌شود [۱۳] که از دیدگاه متفکران اسلامی، بر خلاف سایر موجودات، دارای ویژگی‌ها و خصوصیاتی می‌باشد که تجلی ماهیت و خصوصیات روح انسانی است. این ویژگی‌ها عبارتند از: آگاهانه‌تر از غریزه، همگانی بودن، غیراکتسابی بودن، زوال ناپذیری، متعالی، مقدس و بالقوه بودن.

خصوصیات و ویژگی‌های محیط بیرونی (محیط زیست) انسان از دیدگاه متفکران اسلامی؛ محیط بیرونی (زیستی)، به تمامی محیطی اطلاق می‌گردد که نسل انسان به طور مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است و زندگی و فعالیت های وی در ارتباط با آن قرار دارد[۱۴]. منظور آن محیطی است که فرآیند حیات را فراگرفته و با آن بر هم کنش دارند. محیط زیست، از طبیعت، جوامع انسانی و نیز فضاهایی که با فکر و به دست انسان ساخته شده‌اند تشکیل یافته است و کل فضای زیستی کرهٔ زمین یعنی، زیست کره (بیوسفر) را فرا می گیرد[۱۵]. محیط بیرونی انسان، مجموعه شرایط و عواملی است که افراد را در خود شناور کرده وآن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مانند: غذا، دارو، فرهنگ، اخلاق، عوامل فیزیکی همچون: نور، عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، شرایط طبیعی، جغرافیایی و غیره[۱۶]؛ بنابراین محیط زیست یک واژهٔ کلی است و اشاره به تمامی شرایطی دارد که موجودات در آن زندگی می‌کنند[۱۷]. برخی محیط زیست را به دو بخش تقسیم کرده‌اند: ۱- محیط زیست طبیعی؛ ۲- محیط زیست انسانی. ۱- محیط زیست طبیعی؛ آن بخش از محیط زیست است که در تشکیل و تکون آن انسان نقشی نداشته است؛ بلکه از موهبت‌های الهی می‌باشد. ۲- محیط زیست انسانی؛ آن بخش از محیط زیست است که به دست انسان‌ها پدید آمده باشد[۱۴].

از آنچه که مطرح گردید استنباط می‌شود، که «محیط زیست» در معنای عام، مکان و فضایی است که در آن زیستن وجود دارد. از این‌رو، محیط زیست انسان یعنی، مکان و فضایی که در آن زندگی می‌کند و از آنجایی که زیستن و زندگی انسان، ابعاد و شئون گوناگون دارد؛ محیط زیست انسان نیز می‌تواند مشتمل بر محیط زیست فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و طبیعی باشد. در اینجا بر اساس آراء و نظرات متفکران اسلامی محیط بیرونی انسان، به محیط طبیعی و اجتماعی تشکیل و تقسیم گردیده است[۱۸]. از دیدگاه متفکر اسلامی، محیط زیست و طبیعت، برخوردار از خصوصیات و ویژگی‌هایی می‌باشد، از جمله: ۱- جهان هستی و طبیعت مخلوق خداوند است. ۲- جهان حادث ذاتی دارد.۳- جهان ماهیت «به سوی اویی» دارد. ۴- خداوند بر جهان

هستی و طبیعت حاکم است و بر جهان هستی احاطه دارد. ۵- پیوستگی و یکپارچگی هستی و یا محیط با انسان، هستی و طبیعت دارای ارزش و الا می‌باشد. ۶- هستی و طبیعت منبع معرفت خداشناسی و توحید می‌باشد. ۷- هستی و طبیعت دارای شعور است.

تاریخ و متون اسلامی، مشتمل بر آن است که اسلام برحَسَبِ جهان بینی الهی خویش، به امر محیط درونی (فطرت) و محیط بیرونی (زیست) جامعه‌ای که انسان در آن زندگی و رشد و نمو می‌کند، بسیار اهمیت قایل است که در یک نمای کلی از نظر جهان‌بینیِ توحیدیِ اسلامی می‌توان موارد ذیل را استنباط و آن‌ها را به عنوان مفروضات مسلم تفکر اسلامی در دانش پرستاری کل نگر، به کار گرفت:

الف) جهان یک آفریده است و با عنایت و مشیّت الهی نگهداری می‌شود و اگر لحظه‌ای عنایت الهی از جهان گرفته شود، نیست و نابود می‌گردد. هدف‌های حکیمانه در خلقت جهان و انسان در کار است. هیچ چیزی بی‌اساس و خالی از حکمت و فایده، آفریده نشده است. نظام موجود، نظام احسن و اکمل می‌باشد. نظام عالم بر اساس اسباب و مسبّبات برقرار شده است. اراده و مشیّت الهی به‌صورت «سنّت»، یعنی، به صورت قانون و اصل کلی، در جهان جریان دارد. سنت‌های الهی تغییر ناپذیر هستند و آنچه تغییر می‌کند بر اساس سنت‌های الهی است. خوبی و بدی دنیا برای انسان، به نوع رفتار وی در جهان و طرز برخورد و عمل او بستگی دارد. نیکی و بدی کارها گذشته از آنکه در جهان دیگر به صورت پاداش یا کیفر به انسان باز می‌گردد، در همین جهان نیز خالی از عکس‌العمل نیست. تدریج و تکامل، قانون الهی و سنت الهی است و جهان گهوارهٔ تکامل انسان است[۱۸]؛ همچنین در جهان بینی اسلامی، برهان‌های عقلی و نقلی، حاکی از وجود رابطهٔ تنگاتنگ انسان و جهان هستی می‌باشد. انسان حلقه‌ای است از زنجیرهٔ جهان هستی و از سایر حلقه‌ها جدا نیست؛ زیرا معلول بسیاری از علت‌ها است[۱۹].

ب) به‌واسطهٔ اینکه از دیدگاه متفکر اسلامی، ماهیت انسان دارای دو ساحت جسمی و روح – روان است؛ بنابراین تمام جوانب مادی و غیرمادی و همچنین عوامل مرتبط با آن همچون محیط وی، مورد توجه است؛ البته در دیدگاه الهی اسلام، حقیقت واقعی انسان، ساحت غیر مادی وی- روح – است و به دیگر سخن، انسانیت و اصالت وجودی وی وابسته به روح می‌باشد و به جسم نیست؛ بنابراین توجه به آن می‌تواند در پرستاری کل نگر، از اهمیتی ویژه برخوردار باشد. از طرفی به جهت اینکه اعتقاد متفکر اسلامی بر این است که روح انسان می‌بایستی از طراوت و شادابی و به طور کلی از سلامت برخوردار باشد، شرایط معنوی جامعه و محیط زیست و همچنین به جنبه‌های مادی آن و جسم انسان نیز به‌واسطهٔ تأثیر آن بر روح توجه گردیده است. در تفکر اسلامی جهت برخورد انسان با محیط، راهکار و دستورالعمل‌هایی ارائه شده است که این امر مشتمل بر اهمیت توجه اسلام به امر محیط زیست انسان می‌باشد. در اسلام، جهت تحصیل و به کارگیری امکانات دنیوی، شیوه‌های خاص ارائه شده است و انسان‌ها هیچ‌گاه در این زمینه رها و بی‌برنامه نخواهند بود.

ج) جامعه به عنوان بخشی از محیط؛ علامه طباطبایی (۱۳۸۷)، بیان می‌کند که در اسلام، مهم‌ترین احکام، دستورها و قانون‌گذاری‌های خوب همچون: نماز، حج، جهاد، انفاق و بالأخره تقوای دینی، براساس جامعه استوار است. هدف جامعهٔ اسلامی و هر جامعه‌ای که طبعاً بی‌نیاز از داشتن هدفی مشترک نیست، نیک بختی است. با این تفاوت که هدف جوامع مادی، بهره‌برداری از مزایای زندگی دنیوی می‌باشد که به عقیدهٔ آنان سعادت ابدی است. در صورتی که اسلام در امر زندگی وسیع‌تر از آن است و سعادت انسان را چیزی فراتر از آن می‌داند که از نیک بختی روح وجسم ترکیب می‌شود یعنی، انسان هم از نعمت مادی بهره‌مند شود و هم به فضایل اخلاقی و معارف فقه الهی آراسته گردد، که سعادت زندگی دنیایی وآخرتی وی را تضمین می‌کند و نیک بختی واقعی، قرب و منزلت در پیشگاه الهی است[۲۰].

چ) در اسلام، رابطهٔ انسان با طبیعت، به گونه‌ای تعبیر شده است که آن را به رابطهٔ کشاورز با مزرعه، تشبیه کرده‌اند. کلام پیامبراست: «الدُّنْیا مَزْرَعَةُ الْاٰخِرَةِ دنیا کشتزار عالم آخرت است.» برای کشاورز، مزرعه هدف نیست؛ اما وسیله است یعنی، محل زندگی و کانون زندگی کشاورز، شهر است؛ ولی از این مزرعه است که وسایل خوشی و سعادتش را به‌دست می‌آورد. یک کشاورز باید به مزرعه برود و زمین را شخم بزند، بذر بپاشد و زمین را آباد کند. بعد که محصول رویید، اگر علف هرزه‌ای پیدا شد وجین کند و بعد درو و سپس خرمن کند. بله، اگر کشاورز مزرعه را با خانه و مقرّ خود اشتباه کند، خطا کرده است. مزرعه را به عنوان مزرعه بودن، نباید با چیز دیگری اشتباه کند؛ پس دنیا هم برای انسان چنین چیزی است[۱۸].

بحث

از آنجایی که این مطالعه با هدف مقایسهٔ تحلیلی دو دیدگاه کل نگر در پرستاری(کنشی و همزمانی) با دیدگاه اسلامی انجام شده است، در این قسمت به مقایسهٔ تحلیلی مفهوم محیط از دیدگاه اسلام با این دو دیدگاه پرداخته می‌شود. فلسفه، جهان‌بینی و الگوها، اساس باورهای دانشمندان پرستاری می‌باشد، که بر مبنای آن‌ها محیط را تعریف و توصیف کرده‌اند. توصیف و تعریف رابطهٔ انسان با محیط نیز همگی متأثر و بر اساس این جهان بینی و الگوها شکل گرفته، ارائه شده وتئوری ها و مدل‌های پرستاری

تدوین گردیده اند. برای مثال: بر اساس پارادایم و دیدگاه هم‌زمانی راجرز، پارسی و نیومن آن را به عنوان میدان انرژی تعریف کرده‌اند که با میدان انرژی انسانی یکپارچه و پیوسته است و افرادی همچون واتسون، روی و اندریوز نیز آن را بر اساس پارادیم و دیدگاه کنشی به عنوان سیستم باز تعریف کرده‌اند[۴]. همان‌گونه که مجموع یافته های مطالعه نشان می‌دهند، تاریخ و متون اسلامی، حاکی از آن است که دیدگاه کل گرایانه اسلام برحَسَبِ جهان بینی‌الهی خویش، به امر محیط درونی(فطرت) و محیط بیرونی(زیست) جامعه‌ای که انسان در آن زندگی و رشد و نمو می‌کند، بسیار اهمیت قایل است که در یک نمای کلی، از نظر جهان‌بینیِ توحیدیِ اسلامی می‌توان موارد ذیل را استنباط و آن‌ها را به عنوان مفروضات مسلم تفکر اسلامی در دانش پرستاری کل نگر، به کارگرفت.

در رویکرد کل گرایی، با توجه به اینکه انسان با برخورداری از قدرت معناسازی، تأویل و تفسیر، به جای قرار گرفتن در واقعیت از قبل تعیین شده، به خلق واقعیت می‌پردازد، اصالت محیط درون، به جای بیرون، اصالت انسان به جای محیط و اصالت تفسیر انسانی به جای عوامل محیطی، از شاخص‌های این رویکرد به حساب می‌آید. در این رویکرد، رفتار انسان که در درون متن یا زمینهٔ اجتماعی خاص و به گونه‌ای ذهنی تعیین می‌شود و آگاهی اجتماعی که در اثر ارتباطات ذهنی و از طریق کنش‌های متقابل با دیگران به‌وجود می‌آید، باید توجه داشت که خود اساساً در یک ساختار اجتماعی پدید می‌آیند[۲۱]. انسان دارای سرمایه‌های بالقوه و بالفعل درونی است یعنی، بینش‌ها و گرایش‌ها و انگیزش‌های روانی، ذهنی و محیط زیست آدمی نیز سرمایه‌های زیستی ـ فرهنگی، اجتماعی متفاوتی در اختیار انسان قرار می‌دهد و از این گذر، هویت آدمی شکل می‌گیرد؛ بنابراین از دیدگاه متفکر اسلامی، محیط می‌تواند احساسات و عواطف گوناگونی را در انسان ایجاد کند[۲۲].

در زمینهٔ ماهیت رابطهٔ انسان با محیط؛ دیدگاه متفکر اسلامی در حیطهٔ رابطهٔ انسان با طبیعت، این است که نه جبر مطلق وجود دارد (همانند دیدگاه طبیعی) و نه تفویض کامل(همانند دیدگاه کل گرایی در پرستاری)، بلکه امری است میان دو امر [۲۰] از دیدگاه متفکر اسلامی، هم به عاملی چون اراده و کُنشگر فعّال توجه می‌شود و ناظر به اوست و هم به وجود ساختارهای اجتماعی، محیط و فضای منبعث شده از آن و تأثیر آن‌ها بر ارادهٔ فرد اذعان شده است؛ بنابراین این گزاره که برگرفته از رویکرد اسلامی است، به خوبی تأثیر گذاری و تأثیر پذیری هم‌زمان، متقابل شخص، محیط و ارتباط آن با سلامتی عام (فرد، جامعه و محیط) را که اخیرا در علوم سلامت و پرستاری نیز به آن توجه شده و مقبولیت و اصالت بیشتری یافته و تعریف توسعهٔ پایدار را با این نگاه یکپارچه به سلامت ارایه می‌کند، بیشتر و بهتر از دیدگاه اثبات گرا (عینی) و تفسیرگرای(ذهنی) که در دو طیف قرار دارند تبیین می‌کند. توجه به ساخت های اجتماعی همچون: ساختار خانواده وجوامع کوچک و بزرگ از این قبیل است. از این‌جهت در مباحث اخلاقی، هم افراد مورد خطاب و عتاب قرار می‌گیرند و هم اصلاح ساخت‌های جامعه نیز مورد توجه قرار گرفته است. مهم اینکه در تفکر اسلامی اراده و اختیار آدمی در فضاهای اجتماعی و فرهنگی سلب نمی‌شود؛ ولی به شدّت از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. به بیان دیگر، انسان دارای استعدادهایی است که ممکن است خاستگاه فعلیّت‌یابی آن‌ها فضای اجتماعی باشد.

در زمینهٔ اصالت جامعه و اصالت فرد در میان اندیشمندان اسلامی، دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد. برخی، اصالت فرد و هم اصالت جمع(اصالت هردو)را پذیرفته‌اند. شهید مطهری (در کتاب جامعه و تاریخ) و علامه طباطبایی از این گروه هستند. علامه طباطبایی، برای فضای عمومی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری‌های فردی قایل است. به باور ایشان، انسان دارای اراده است و می‌تواند از جنبهٔ نظری، در بدترین شرایط مستقل باشد؛ امّا در عمل غالباً اندیشه و تصمیمش مغلوب جمع است و هماهنگ با جمع فکر و عمل می‌کند. به گفتهٔ ایشان، لازمهٔ این معنا یعنی، واقعیت داشتن هویت جامعه و جمع. بدین معنی که به شهادت حس و تجربه، نیروها و آثار اجتماعی نیروی است که به هنگام معارضه و تزاحم، آثار فردی را مقهور خود قرار می‌دهد. از این‌رو، چاره‌ای جز تبعیت از کل برای انسان نمی‌ماند و هر آنچه بر کل می‌رود بر فرد نیز جاری می‌شود؛ به‌طوری که شعور و اراده جمع وکل، شعور و فکر افراد و اجزای آن را از آن‌ها می‌گیرد[۲۰]. از فرمایشات ایشان در تفسیر المیزان چنین بر می‌آید که« امت و جامعه وجود دارد»[۱۹]. جهت تبیین واقعیات از جمله واقعیت اجتماعی، در پارادایم دینی، منابع شناخت توسعه یافته است نه مانند پارادیم اثبات‌گرایی صرفاً بر منابع عینی و قابل لمس بیرونی متکی است و نه مانند علم تفسیری بر توانایی ذهن آدمی متکی است؛ بلکه شامل بر موارد گوناگونی است از جمله: طبیعت، جامعه، تاریخ، عقل و غیب می‌شود و ابزار شناخت نیز بسط یافته است و نه مانند اثبات‌گرایی و علم تجربی بر حس متکی است و نه مانند علم تفسیری بر تجربه و ادراک آدمی می‌باشد؛ بلکه شامل بر ابزارهای حسی، عقلی، شهودی، وحی و الهام می‌شود؛ بنابراین در تبیین واقعیت‌های اجتماعی نیز از همهٔ این منابع استفاده و ابزارها نیز به کار گرفته می‌شود. در این دیدگاه، روابط عِلّی و معلولی برای یافتن قوانین عام تحت عنوان «سنت الهی»، مورد پذیرش قرار گرفته می‌باشد؛ اما در دامنهٔ آن فقط به ابزار تجربی بسنده نشده است. جهان ماده و ماورای ماده، یکپارچه دیده شده و بر تأثیرات این دو عالم بر یکدیگر تأکید دارند. با توجه به جهان‌بینی‌های

اثبات‌گرایی و کل گرایی، در جهان‌بینی تجربی، به دلیل محدودیتش در دایرۀ آزمون و خطا و جزئی بودنش و در جهان بینی تفسیری به دلیل اینکه به طور کامل به دلیل موکول کردن شناخت جهان هستی به امر ادراک انسانی، نمی‌توان آن‌ها را به عنوان رویکردهای قابل استناد و محکم پذیرفت. جهان بینی اسلامی به دلیل اینکه آن روش‌ها و رویکردهای قبلی را در قلمرو خودش قبول دارد؛ ولی منحصر به آن نمی‌نماید و راه‌ها و ابزارهای دیگری مثل تاریخ، عقل و غیب (وحی) را به آن می‌افزاید، می‌تواند به عنوان یک رویکرد و فلسفۀ زیربنایی جامع و کامل‌تر در تبیین و شناخت عالم و پاسخ به سؤالات بشر باشد و همچنین یک چارچوب کامل‌تر و جامع‌تر برای دانش، عمل و نگاه پرستاری برای سلامتی معرفی کرد.

جهت ارزش‌گذاری به مسأله محیط؛ متون پرستاری نشان می‌دهند که در ارزش‌گذاری‌های پرستاری، به محیط فیزیکی و روانی محیط، توجهات در محدوده و چارچوب زیست محیطی محصور است وکمتر به مواردی که به ساحت روان اجتماعی محیط پرداخته شده باشد، تمرکز شده است. در تئوری منتسب به نایتنیگل«مدل محیطی»، بیشتر توجهات به جنبه‌های فیزیکی محیط می‌باشد. در این مدل کمتر به امر اجتماع و روابط بین انسان ها توجه گردیده است[۲۳] در صورتی‌که کل‌نگری اسلام نسبت به انسان، حاکی از آن است که از دیدگاه متفکر اسلامی علاوه بر توجه به جنبه‌های مادی انسان و بالطبع محیط زیست وی، توجه به جنبه‌های غیرمادی نیز، نه تنها مورد توجه، بلکه دارای اهمیت ویژه است. متفکران اسلامی در تأمین سلامت وضعیت زیستی، مخصوصا سلامت روانی جامعه و محیط زیست، ضمن تأکیدهای لازم، رهنمودهایی نیز ارائه کرده‌اند که توجه به آن‌ها می‌تواند، در امر مراقبت از بیماران مورد توجه باشد. از دیدگاه متفکر اسلامی، تأمین سلامت محیط زیست، راه‌های رسیدن به آن و اهداف آن، افزون بر آنکه از حقوق اساسی انسان است، جزء وظایف بشری محسوب می‌گردد. از این جهت، لازم است افزون بر توجه به ساختار نظام‌مند جهان هستی و سلامت وحفاظت از محیط طبیعی و زندگی، توجه به سلامت محیط اجتماعی، سلامت معنوی محیط زیست و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر نیز مد نظر باشد. یکی از ابعاد مهم سلامت محیط، سلامت رفتار و ارتباط نیکوی افراد جامعه با یکدیگر است. برای تحقق این امر مهم، در تعالیم آسمانی و الهی اسلام، توجه به روابط نیکو با اعضای جوامع بشری و حسن معاشرت، از موارد تأکید شده در قوانین اسلامی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در تفکر اسلامی، محیط عبارت است از: مجموعه عواملی که انسان را احاطه کرده است و از طریق روابط متقابل گوناگون با وی در تماس و او را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. از دیدگاه متفکر اسلامی، تأمین سلامت محیط زیست، راه‌های رسیدن به آن و اهداف آن افزون بر آنکه از حقوق اساسی انسان است، جزء وظایف بشری محسوب می گردد؛ بنابراین افزون بر توجه به ساختار نظام‌مند جهان هستی، سلامت و حفاظت از محیط طبیعی و زندگی، توجه به سلامت محیط اجتماعی، سلامت معنوی محیط زیست و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر، به عنوان محیط اجتماعی نیز مد نظر می‌باشد. یکی از ابعاد مهم سلامت محیط، سلامت رفتار و ارتباط نیکوی افراد جامعه با یکدیگر است. برای تحقق این امر مهم، در تعالیم آسمانی و الهی اسلام، توجه به روابط نیکو، با اعضای جوامع بشری وحسن معاشرت، از موارد تأکید شده در قوانین اسلامی است. علاوه براین، پارادایم دینی با پارادایم اثبات‌گرایی و کل نگری مقایسه گردید و بر اساس این مقایسه می‌توان استنباط کرد که در رویکرد اسلامی، انسان همۀ کمالات را بالقوه دارد و باید آن‌ها را به فعلیّت برساند. شرط اصلی وصول انسان به کمالاتی که بالقوه دارد، موارد گوناگونی از جمله ارتباطات مناسب اجتماعی و ایمانی است. استعدادهای بالقوه و بالفعل غریزی و ذاتی انسان، می‌تواند هماهنگ یا ناهماهنگ باشد؛ چنانچه آدمی در درون خود نیز نظیر دنیای بیرونی، دارای تعامل و تقابل است.

References:

1. Libster, M. M. Elements of care: nursing environmental theory in historical context. Holistic Nursing Practice 2008; 22 (3):160.
2. Fawcett J, Desanto-Madeya S. Contemporary nursing knowledge: Analysis and evaluation of nursing models and theories: FA Davis; 2012.
3. Reed, P. G., Shearer, N. B. C., & Nicoll, L. H. Perspectives on nursing theory: Lippincott Williams & Wilkins.2008.
4. Lowes, L., & Prowse, M. A. Standing outside the interview process? The illusion of objectivity in phenomenological data generation. International journal of nursing studies 2001; 38 (4): 471-480.
5. Thornton L. "Whole-Person Caring: A Model for Healing and Wellness". 2014; Available from: luciathornton.com/.../Whole%20Person%20Caring%20A%20Model%20
6. Upright, C. M. Exploring Persons' Experiences of Keeping In Touch With Loved Ones Who Have Died. Master of nursing in policy and practice, University of Victoria 2009.

7. Holmes, C. A. Alternatives to natural science foundations for nursing,1990; 27: 187-198.
8. Rutty, J. E. The nature of philosophy of science, theory and knowledge relating to nursing and professionalism. Journal of Advanced Nursing 1998; 28(2): 243-250.
9. Whittemore, R. Natural science and nursing science: where do the horizons fuse?,1999, 30: 1027-1033.
10.Sarkis JM, Skoner MM. "An analysis of the concept of holism in nursing literature". *Holistic nursing practice* 1987; 2(1):61-70.
11.Erickson HL. "Philosophy and theory of holism". Nursing Clinics of North America 2007; 42(2):139-63.
12. Alimohammadi N, Taleghani F, Farzi S. Basic Concepts of Nursing in Islamic Thought, Isfahan University of Medical Sciences publisher, Isfahan, 2015.
13.Aminian A. The basis of Islamic philosophy. Gillan. Gillan University Publication 1997.
14.Ghavam M. Criminal protection of the environment.First edition. Tehran. Publications of Environmental Protection Organization 1996.
15.Soltani K. A collection of topics and methods of environmental urbanization. First edition. Volum 6. Tehran. Iran Urban Planning and Architecture Studies and Research Center 1992.
16.Ghaemi A. field of education. 9 th. Tehran. Amiri Publication 1991.
17.Moshiri M. Alphabetical Persian Dictionary – Analogy. Tehran. Ekan publication 1999.
18. Motehari M. Collection. Volum 2,3,13,16,17,24,27. Tehran. Sadra publication 2001.
19.Javadi amoli A. Islam and the environment(b). Qom. Asra publication 2009.
20.Tabatabaei Mohammad hossein. Tafseer al-Mizan. Collection of 40 volumes. Translated by Mousavihamdani SM. Qom. slamic Publications Office 2003.
21.Iman MT. Paradigmatic foundations of quantitative and qualitative research methods in humanities. Qom. Research institute of the Houzeh and University 2009.
22.Taleghani F, Alimohammadi N. "Nursing fundamental concepts in Islamic Thought: A Model". *Iranian Journal Nursing Research* 2015; 10(2):81-94 (persian).
23. Masteres K. Nursing Theories. Jones& Bartlett/ Learning 2012.

Original Article

Analytical Comparison of Islamic Intellectuals' Holistic Perspective on Environment Concept and Common Philosophical Approaches in Nursing

Sedigheh Farzi[1], Nasrollah Alimohammadi*[2], Mohsen Hojat[3]

Received:2023/10/12 Revised:2024/01/16 Accepted: 2024/01/23

1. PhD of nursing, associated professor, Nursing and Midwifery Care Research center, Department of adult heath nursing, Nursing and midwifery faculty, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran
2. PhD of nursing, professor, Nursing and Midwifery Care Research center, Department of critical care nursing, Nursing and midwifery faculty, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran
3. PhD of nursing, Assistant professor, Nursing faculty, Jahrom University of Medical Sciences, Jahrom, Iran

Journal of Education and Ethics in Nursing, Vol.12, No.3&4, Fall & Winter 2023

Abstract: J Educ Ethics Nurs 2023;12(3&4):52-59

Introduction: The concept of environment is one of the importance concepts in many models and theories of nursing. In the 1980s, the environment was considered as one of the four metaparadigmatic concepts of nursing, as the underlying concepts of nursing science and practice. Therefore the type of attitude towards the role of environment and nursing at the same time is one of the important principles to be considered from the point of view of nursing scientists. So, in this article, after presenting holistic views from the perspective of the existing philosophical schools in nursing, an analytical comparison has been made between them and Islam in terms of conceptual content.

Method: The research is a narrative - review type and was conducted with a library method. It was searched with keywords including: nursing environment, nursing metaparadigm, holism, Islamic thought, simultaneous action and reciprocal interaction worldview, and nursing in SID, Medlib, Iranmedex, Magiran Irandoc, Pubmed, Scoupus, ISI, and Isc databases (1980-2021). Also, the philosophical books of Islamic literature was assessed.

Results: In the holistic phylosophy, reciprocal interaction worldview, the human environment surrounds the environmental environment about the ability of individual adaptability. In this approach, the effects of factors such as economics, culture and social issues are overlooked and does not explain it. The environment is completely flexible, static, experimental and natural.

In the simultaneous action worldview, humans and the environment are continuous and integrated with each other, in such a way that man is not separateed from the universe. Therefore, human understanding is a reflection of the world. Therefore, the main focus is on human experiences from the environment or facts in the community. Meanwhile, the Islamic view believes that man have two environments. The outer environment, which refers to all the environment that the human generation is directly and indirectly depends on it, and its life and activities are in relation to it, and the inner environment, which is called instinct.

Conclusion: One of the important dimensions of environmental health is the health of behavior and good communication between people in the community. To achieve this important thing, in the heavenly and divine teachings of Islam, paying attention to good relations with members of human societies and good fellowship is one of the issues emphasized in Islamic laws. In addition, the religious paradigm was compared with the paradigm of positivism and holism, and based on this comparison, it can be inferred: in the Islamic approach, man has all the potentials of perfection and must bring them into practice. The main condition for human beings to reach their potential perfections is various things, including proper social relations and faith. The potential and actual instinctive and innate talents of man can be harmonious or uncoordinated. Man, like the outside world, has interaction and opposition within himself.

Keywords: Holistic, Islamic Thought, Reciprocal Interaction Worldview, Simultaneous Action Worldview, Nursing

* Corresponding author Email: alimohammadi@nm. mui.ac.i